



۲۰۱۹/۰۲/۰۹



فردوس

دولت ستیزی کرزی

حضور حامد کرزی در اجلاسی که با حضور هیات طالب ها در مسکو برگزار می‌شود، بی نهایت به حال افغانستان مضر است. حامد کرزی یک سیاستمدار عادی یا مقام ساده ای اسبق دولتی نیست. کرزی رییس جمهور کشور بود. با سقوط طالبان کرزی به قدرت رسید و در دوران حکومت او بود که نظم مبتنی بر قانون اساسی و نهادهای دولتی دوباره احیا شد. کرزی هویت نهاد دولت افغانستان را با خودش یدک میکشد. او همین حالا هم به نحوی بخشی از دولت است. دفتر حامد کرزی از سوی بخش های مختلف ارگ حمایت می‌شود. بخش رسانه‌ها، حفاظت و شعبه اداری دفتر حامد کرزی مستقیم از طرف ارگ ریاست جمهوری تمویل می‌شود، کارمندان آن از بودجه حکومت تنخواه می‌گیرند و گارد خاصی محافظت از رییس جمهور از کرزی نیز حفاظت می‌کند. دفتر حامد کرزی به تشریفات وزارت خارجه نامه می‌نویسد و خواستار تسهیل سفر رییس جمهور سابق و دوستانش به مسکو و کشورهای دیگر می‌شود.

اما کرزی به جای این که به عنوان یک رییس جمهور سابق با وقار و متانت از نظم مبتنی بر قانون اساسی و اصل جمهوری دفاع کند، مثل یک سیاستمدار فرصت طلب در صحنه ظاهر می‌شود. کرزی در واقع از امتیاز رییس جمهور اسبق بودنش استفاده نامشروع می‌کند. او امتیازش را در راه تضعیف جمهوری خرج می‌کند. کرزی که هویت نهاد دولت را با خودش حمل می‌کند، به دلیل مشکلاتی که با برخی از رهبران حکومت وحدت ملی دارد، در اجلاسی در بیرون کشور شرکت میکند که در آن نهاد دولت افغانستان دور زده می‌شود. حکومت کنونی با همه نواقصی که دارد نهاد مشروع جمهوری است و هیچ سیاستمداری حق ندارد مشروعیت سیاسی و حقوقی آن را با عملکردش زیر سوال ببرد. رییس جمهوران سابق در جمهوری های دیگر اصلاً در سیاست روزمره دخالت نمی‌کنند. آنها مشغول سخنرانی، نوشتن خاطرات و مشورت دهی به رییس جمهور برحال اند. در برخی از مشکلاتی که در روابط کشورها ایجاد می‌شود، رییس جمهوران اسبق در نقش میانجی ظاهر می‌شوند. مثلاً جیمی کارتر یکی از رییس جمهوران پیشین امریکا، میان واشنگتن و دیکتاتوری کوریای شمالی در مورد آزادی چندتن امریکایی و ایجاد یک کانال تماس بین کوریای شمالی و ایالات متحده، تلاش کرد و موفق شد. اوایما رییس جمهور قبلی امریکا به ندرت در مورد سیاست روزمره آن کشور نظر می‌دهد. او مشغول فعالیت‌های خیریه و تقویت بخشی وجهه امریکا است. همسر او تازه کتاب خاطراتش را نشر کرده است و شاید شخص اوایما هم مشغول تنظیم کتاب خاطراتش باشد.

ولی حامد کرزی از امتیازاتی که به عنوان رییس جمهور پیشین در اختیار دارد، به ضد نهاد دولت استفاده می‌کند. در این هیچ تردیدی نیست که رهبران حکومت وحدت ملی زیاد موفق نبودند. اصلاً حکومت وحدت ملی یک

تجربه ناکام بود. انتظار عموم این بود که غنی و عبدالله پس از احراز قدرت سیاسی بدل به یک تیم شوند، اما مشکلات ارگ و سپیدار حتی تا روزهای اخیر هم ادامه داشته است. موافقت نامه‌ی ۲۹ سنبله سال ۱۳۹۳ که غنی و عبدالله آن را قبل از احراز قدرت سیاسی امضا کرده بودند، آن طوری که باید تطبیق نشد. به همین دلیل بود که مشروعیت حقوقی نهادها صدمه دید. رهبران حکومت وحدت ملی به جای این که برای برگرداندن مشروعیت حقوقی نهادها با هم همکاری کنند، مشغول جنگ قدرت شدند. ریاست جمهوری بسیار تلاش کرد تا ریاست اجرایی را به انزوای سیاسی ببرد. این گیر و دارها سبب شد که برخی از کشورهای کمک کننده از فروپاشی سیاسی کابل سخن بگویند. اجماع سیاسی که در زمان کرزی تا حدودی برقرار بود، با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی از هم پاشید و به همین دلیل است که هر سیاستمدار و حتی رییس جمهور سابق به راهی میروند که اصلاً منطقی ندارد. ولی با وجود همه این‌ها هیچ دلیلی ندارد که نهاد دولت و نظم مبتنی بر قانون اساسی در یک شخص فرو کاسته شود.

سوال بسیار مهم این است که رییس جمهور سابق و سیاستمداران دیگری که به نشست مسکو رفته‌اند، یک جمهوری بر مبنای یک قانون اساسی منبعث از اراده مردم می‌خواهند یا یک نظم حکومتی ایدئولوژیک؟ هویت کرزی و سیاستمداران دیگری که در نشست مسکو شرکت کرده‌اند با جمهوری مبتنی بر قانون اساسی گره خورده است. برخی از شرکت کنندگان نشست مسکو یا نامزد انتخابات ریاست جمهوری، یا در یک تکت انتخاباتی به عنوان معاون معرفی شده‌اند، کرزی هم دو دوره به عنوان رییس جمهور ایفای وظیفه کرده است. بنا بر این، همه سیاستمداران شرکت کننده از جمله رییس جمهور سابق بدون نظم مبتنی بر قانون اساسی و جمهوری هویتی نداشتند و ندارند. بنا بر این، هیچ دلیلی ندارد که کرزی به نشست مسکو برود. تمام اعتبار و سرمایه سیاسی کرزی ناشی از دو دوره ریاست جمهوری او است.

کرزی را وجهه مدرن افغانستان لقب داده بودند. قبل از او، طالب‌ها حاکم بودند. طالب‌ها هویت خشن و تندرمانه داشتند و دارند. آنها را جهانیان، متحدان القاعده و همدستان شبکه‌های قاچاق مواد مخدر می‌دانستند، اما کرزی نماد افغانستان مدرن خوانده شد. کرزی را ادامه دهنده تلاش‌هایی لقب دادند که از شروع قرن نیمه دوم قرن ۱۹ برای مدرن سازی افغانستان صورت گرفته بود. کرزی و خانواده‌اش خارج دیده، تحصیل کرده و مسلط به زبان‌های خارجی بودند و گفته می‌شد که در بی رحمی‌ها و جنگ‌های داخلی دست نداشتند، به همین دلیل بود که بخت با کرزی یاری کرد و رییس جمهور افغانستان پسا طالبان شد. او چه بخواهد یا نخواهد این هویت را حمل می‌کند و به هیچ وجه منطقی نیست که با دور زدن نهاد دولت، دولتی که خودش بنیانگذار آن شناخته می‌شود، به نشستی در مسکو شرکت کند که هویت میزبان آن روشن است و کابل با آن مخالفت دارد.

کرزی و اشرف غنی تفاوت جدی با هم ندارند. حامد کرزی که به گواهی همکارانش در به قدرت رساندن اشرف غنی نقش داشت. اشرف غنی هم در زمان حکومت حامد کرزی، او را حمایت می‌کرد. این طور هم نیست که افکار اشرف غنی و حامد کرزی زیاد متفاوت باشد و مثلاً اشرف غنی ادعای لیبرال بودن کند و کرزی مثلاً ادعای محافظه کاری. تنها مشکلی که فعلاً ایجاد شده است، دوری کرزی از قدرت است. کرزی فکر می‌کند که خودش در قدرت نیست و شاید در «تنظیمات جدید پس از توافق با طالب» سهمی از کیک قدرت به دست آورد. این امر شبیه موقف رهبران جنگ‌های تنظیمی کابل است. رهبران جنگ‌های تنظیمی کابل، تفاوت فکری نداشتند. همه مدعی پیروی از یک فکر سیاسی و مذهبی بودند. مشکل آنان تقسیم قدرت و این که کی در رأس باشد و کی

در پیرامون بود. کرزی و سیاستمداران دیگری که در نشست مسکو شرکت کرده‌اند، خیلی فرصت طلبانه می‌خواهند جایگاه‌شان را مستحکم کنند و این کار را به قیمت دور زدن نهاد دولت انجام می‌دهند. در این میان، دولت‌ستیزی کرزی هیچ توجیهی ندارد.

پایان

